

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ فبروری ۲۰۲۲

قیم جدید مبارک!!

(۱)

شنبه - ۱۶ دلو ۱۴۰۰ - کابل: "گره ستراتیژیک" بین افغانستان و پاکستان باعث شده است تا در درازنای موجودیت پاکستان، این کشور برای تمام افراد و نهادهایی که تشنه قدرت بوده و اند و نه پایگاه توده‌ئی در افغانستان داشته اند و نه هم عرق ملی، دولت پاکستان را به مثابه "قیم"، بزرگ و سرپرست خود پذیرفته، در تمام حالات مدافع سیاست‌ها و مجری خواسته‌های نظامیان آن کشور باشند.

با فرار عناصر اخوانی به پاکستان در زمان "جمهوریت خاندانی"، و بعد‌ها با کودتای خونبار ثور و پیامد اسارت‌بار آن در ۶ جدی و تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی بر افغانستان که باعث بیجا شدن و فرار میلیون‌ها تن از افغانستان و پناهنده شدن بیشترین بخش آنها در پاکستان و ایران گردید، برای هر دو دولت همسایه این امکان به وجود آمد، تا در پناه و به بهانه حمایت از مهاجران - پناهندگان - و مقاومت ضد روسی، دست نوازش علنی بر سر نوکران قبلی شان کشیده، رسماً مسؤولیت قیمومت آنها را بر دوش بگیرند.

در این میان دولت پاکستان علی‌رغم آن که در ابتداء یعنی تا زمانی که نظام شاهی در ایران برقرار بود، ناگزیر بود خود را در خط دوم بعد از ایران قرار دهد، مگر بعد از سرقت انقلاب ایران به وسیله "آخند‌ها" و استقرار رژیم ولایت فقیه در آن کشور، عمدتاً دو دلیل اساسی، یعنی از یک جانب کشمکش‌های ظاهری بر سر قدرت منطقه‌ئی بین امپریالیسم امریکا و رژیم ولایت فقیه و از جانب دیگر سنی مذهب بودن اکثریت نفوس افغانستان، باعث گردید تا نقش حاکمیت ایران در افغانستان به خط دوم رفته، دولت پاکستان به مثابه "قیم مقاومت رسمی" از طرف تمام جهان مورد پذیرش قرار گیرد.

برخورد‌های کسبکارانه، منفعت‌جویانه و ریاکارانه دولت پاکستان در قبال "مقاومت رسمی" افغانستان و تلاش برای این که آنها را به مثابه ابزار تحقق و امیال دولت خود مورد استفاده قرار دهد، هرچند در تمام سالهای حضور اشغالگران شوروی نیز محسوس بود، مگر غرب روی نیازمندی خاص خودش به پاکستان آن را تحمل می‌نمود.

بعد از این که امپریالیسم امریکا و شرکاء از اکتوبر سال ۲۰۰۱ بر افغانستان هجوم خونبار و ددمنشانه‌شان را آغاز نمودند و خود به صورت مستقیم اداره امور افغانستان را به دوش گرفتند، با شناختی که از عملکردهای ریاکارانه دولت پاکستان داشتند، کوشش نمودند تا نه تنها به نقش قیمومت پاکستان در افغانستان خاتمه دهند، بلکه از طریق وادار ساختن

آن دولت به دستگیری و تسلیم دهی عناصر طالب به امریکا در کل مناسبات فراریان طالب و دولت پاکستان را نیز تخریب نمایند، به این هم اکتفاء ننموده همه شاهدیم که به سال ۲۰۱۳ یعنی زمانی که "بایدن" معاون رئیس جمهور امریکا بود، "سیا" به این امید که بر نقش "قیمومت" پاکستان بر فراریان طالب نقطه پایان بگذارد، به طالب اجازه افتتاح دفتر سیاسی در "قطر" یعنی کشوری که در خاور میانه و منطقه خلیج یکی از قویترین پایگاه های نظامی امریکا در آن مستقر است، را داد. امپریالیسم امریکا در همان زمان می خواست از طریق آن دفتر و طالب را زیر چتر حمایت خود قرار دادن، به نقش پاکستان به مثابه "قیم" طالب خاتمه دهد.

استخبارات نظامی پاکستان که با چنین برنامه هائی آشنا و در آن تبحر داشت، جهت خنثی ساختن هدف امریکا همزمان به چند کار دست زد، اولاً "ملاعمر" را که اجازه افتتاح دفتر را صادر نموده بود، به شکل مرموزی از بین برد، به تعقیب آن نزدیکترین کس به وی یعنی "ملا عبدالغنی برادر" را نیز با نمایشات اقتضاح آمیزی به زندان افکند، به تعقیب آن "حفیظ منصور" را که به جای "ملاعمر" نشسته بود و گویا مدافع خط "ملاعمر" بود، توسط خود امریکائی ها از بین برد و قادر شد رهبری طالب را مطابق خواست خودش شکل و سازماندهی نماید، به این هم اکتفاء ننموده با تحت الحفظ قرار دادن خانواده های آن عده از افراد طالب که به قطر رفته بودند، دم آنها را نیز زیر پای خودش نگه داشت و آخرین ضربت را با ایجاد "شبکه حقانی" در درون طالب و آنها را در سلسله مراتب قدرت در داخل طالب به مقامات بالاتر گماشتن، قیمومت خود را بالای طالب در کل حفظ نمود.

اینک وقتی امیر قطر به واشگنتن رفت ضمن یک صحبت حضوری با "بایدن"، دولت قطر در تمام زمینه ها با اختیارات کامل به مثابه مسؤل روابط امریکا و طالب انتخاب گردید، از قرار معلوم نخستین پیشنهاد امیر قطر جهت تثبیت موقف و موقعیت خودش و کشورش نزد طالب و نظام ماسالار، تعامل بیشتر امریکا با نظام ماسالار، نرم ساختن تحریم ها و دست نوازش کشیدن بر سر گردانندگان "شبکه حقانی" بود. این سیاست که عملاً با رفتن "انس حقانی" به ناروی و صحبت هایش با نمایندگان "سیا" آغاز یافته بود، بعد از پیشنهادات و احتمالاً تضمین های امیر قطر، اکنون عملی شده و دیده می شود که امپریالیسم نسبت به گذشته در قبال "شبکه حقانی" کمتر حساسیت نشان می دهد.

تمام این تعاملات بیانگر آن است که امپریالیسم امریکا و بقیه غرب منهای انگلیس، تصمیم گرفته اند تا من بعد قطر را به مثابه "قیم" طالب به رسمیت بشناسند. این که دولت پاکستان در قبال این مسأله چه واکنشی از خود نشان خواهد داد، مسأله ایست که در قسمت بعدی این مختصر خواهیم دید.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!